مالیات و عشر

مالیات - سهمی اجباری در درآمد دولت، که توسط دولت از درآمد کارگران و سود کسب و کار وضع میشود، یا به هزینه برخی از کالاها، خدمات و معاملات اضافه میگردد

عشر 10 -٪ از محصول یا درآمد سالانه، که قبلاً به عنوان مالیات برای حمایت از کلیسا و روحانیون گرفته میشد

پنجگانه تورات

و متبارک باد خدای متعال که دشمنانت را به دست تو تسلیم کرد. و از همه چیز ده یک به او داد. پیدایش ۲۰:۱۴

و تمام ده یک زمین، چه از بذر زمین و چه از میوه درخت، از آن خداوند است و برای خداوند مقدس است. و اگر کسی بخواهد چیزی از ده یک خود را بازخرید کند، باید یک پنجم آن را به آن اضافه کند. و در مورد ده یک رمه یا گله، حتی از هر آنچه که از زیر عصا میگذرد، دهم آن برای خداوند مقدس خواهد بود. لاویان ۲۷:۳۰-۳۲

اما عشر بنیاسرائیل را که به عنوان هدیهای افراشتنی به خداوند تقدیم میکنند، به لاویان دادهام تا به ارث ببرند. بنابراین به ایشان گفتهام که در میان بنیاسرائیل، ایشان هیچ میراثی نخواهند داشت. لاویان را چنین خطاب کرده، به ایشان بگو: چون از بنیاسرائیل عشری را که از ایشان به شما برای میراث دادهام، بگیرید، آنگاه هدیهای افراشتنی از آن برای خداوند تقدیم کنید، یعنی یک دهم از عشر. بدینسان، شما نیز از تمام عشرهایی که از بنیاسرائیل دریافت میکنید، هدیهای افراشتنی به خداوند تقدیم کنید و از آن هدیه افراشتنی خداوند را به هارون کاهن بدهید. اعداد ۱۸:۲۴،۲۶،۲۸

و از مردان جنگی که به جنگ رفتهاند، برای خداوند خراج تعیین کنید: یک نفر از پانصد نفر، چه از انسان و چه از گاو و چه از الاغ و چه از گوسفند. اعداد ۳۱:۲۸

و زکات خداوند از گوسفند ششصد و شصت و پانزده رأس بود. و گاوها سی و شش هزار رأس بودند که از آنها زکات خداوند شصت و دوازده رأس بود. و الاغها سی هزار و پانصد رأس بودند که از آنها زکات خداوند شصت و یک رأس بود. و شانزده هزار نفر بودند که از آنها زکات خداوند سی و دو نفر بود. و موسی زکات را که هدیه افراشتنی خداوند بود، به العازار کاهن داد، چنانکه خداوند به موسی امر فرموده بود. اعداد ۳۱:۳۷-۴۱

و به آنجا قربانیهای سوختنی و ذبایح و عشرهای خود و هدایای افراشتنی دست خود و نذورات و نوافل خود و نخستزادههای گلهها و رمههای خود را خواهید آورد. آنگاه مکانی خواهد بود که یهوه، خدای شما، برای ساکن کردن نام خود در آنجا برخواهد گزید. در آنجا هر آنچه را که به شما امر میکنم، خواهید آورد؛ قربانیهای سوختنی و ذبایح خود، عشرهای خود و هدایای افراشتنی دست خود و همه نذورات برگزیده خود را که برای خداوند نذر میکنید. در دروازههای خود، عشر غله یا شراب یا روغن خود یا نخستزادههای رمه یا گله خود را، و هیچ یک از نذورات خود را که نذر میکنید، و نوافل خود یا هدایای افراشتنی دست خود را، نخواهید خورد. تثنیه ۱۲:۶،۱۱،۱۷

تو باید حقیقتاً از تمام محصول بذر خود که مزرعه سال به سال تولید میکند، ده یک بدهی. و در حضور یهوه، خدای خود، در مکانی که او برای قرار دادن نام خود در آنجا برمیگزیند، ده یک غله، شراب، روغن، نخستزادههای گله و رمه خود را بخوری. تا یاد بگیری که همیشه از یهوه، خدای خود بترسی. در پایان سه سال، تمام ده یک محصول خود را در همان سال بیرون بیاور و آن را در دروازههای خود ذخیره کن. و لاوی)زیرا او هیچ سهم و ارثی با تو ندارد(و غریب و یتیم و بیوه زنی که در دروازههای تو هستند، بیایند و بخورند و سیر شوند. تا یهوه، خدای تو، تو را در تمام کارهای دستت که انجام میدهی، برکت دهد. تثنیه 14 :22-23، 28-29

و عید هفتهها را برای یهوه، خدای خود، با هدیهای داوطلبانه از دست خود، که به یهوه، خدای خود، مطابق برکتی که یهوه، خدای تو، به تو داده است، تقدیم خواهی کرد، نگه دار. تثنیه ۱۶:۱۰

چون به شهری نزدیک شوی تا با آن جنگ کنی، به آن شهر ندای صلح سر بده. و اگر تو را به صلح پاسخ دهد و دروازههایش را به روی تو بگشاید، آنگاه همهٔ مردمی که در آن شهر باشند، خراجگزار تو خواهند بود و تو را خدمت خواهند کرد. تثنیه ۲۰:۱۰-۱۱

وقتی از دادن همهٔ ده یکهای محصول خود فارغ شدی، در سال سوم که سال ده یک است، آن را به لاوی، غریب، یتیم و بیوه بده تا در دروازههای تو بخورند و سیر شوند. تثنیه ۱۲:۲۶

تاریخچه

و کنعانیان ساکن جازر را بیرون نراندند، پس کنعانیان تا امروز در میان افرایم ساکنند و باج و خراج میدهند) .یوشع ۱۰:۱۶(

اما چون بنیاسرائیل قوی شدند، کنعانیان را به جزیه گرفتند، اما آنها را کاملاً بیرون نراندند) .یوشع ۱۳:۱۷(

و چون اسرائیل قوی شدند، کنعانیان را به جزیه گرفتند و آنها را کاملاً بیرون نکردند. زبولون نیز ساکنان فِطرون و ساکنان نَهلول را بیرون نکرد، بلکه کنعانیان در میان آنها ساکن شده، خراجگزار شدند. نفتالی نیز ساکنان بیتشمس و ساکنان بیتعنات را بیرون نکرد، بلکه در میان کنعانیان ساکن آن سرزمین ساکن شد. با این حال، ساکنان بیتشمس و بیتعنات خراجگزار آنها شدند. اما اموریان میخواستند در کوه حارث در ایلون و در شَعَلبیم ساکن شوند. اما دست خاندان یوسف غالب آمد و آنها خراجگزار شدند. داوران ۲۸،۳۰،۳۳،۳۵:۱

و اَدورام سرپرست خراج بود و یِهوشافاط پسر اَخیلود وقایعنگار) .دوم سموئیل ۲۴:۱۰(

و اخیشار سرپرست خانه بود و ادونیرام پسر عبدا سرپرست خراج بود. اول پادشاهان ۶:۴

فرزندان آنها که پس از آنها در زمین باقی ماندند، و بنیاسرائیل نیز نتوانستند آنها را به کلی نابود کنند، سلیمان از آنها جزیه و بندگی گرفت که تا به امروز ادامه دارد. اول پادشاهان ۲۱:۹

آنگاه رحبعام پادشاه، ادورام را که سرپرست باج و خراج بود، فرستاد و تمامی اسرائیل او را سنگسار کردند تا مرد. پس رحبعام پادشاه شتابان او را بر ارابه خود سوار کرد تا به اورشلیم فرار کند. اول پادشاهان ۱۸:۱۲

و فرعون نَکوه او را در رِبله در سرزمین حمات به بند کشید تا در اورشلیم سلطنت نکند و صد وزنه نقره و یک وزنه طلا به آن سرزمین خراج داد. دوم پادشاهان ۳۳:۲۳

و یهویاقیم نقره و طلا را به فرعون داد، اما او از زمین مالیات گرفت تا پول را طبق فرمان فرعون بدهد. او نقره و طلای مردم زمین را از هر کس طبق مالیاتش گرفت تا آن را به فرعون نکوه بدهد. دوم پادشاهان 23:35

و اما تمامی قومی که از حتیان و اموریان و فرزیان و حویان و یبوسیان باقی مانده بودند و از بنیاسرائیل نبودند، بلکه از فرزندان ایشان که پس از ایشان در زمین باقی مانده بودند و بنیاسرائیل ایشان را هلاک نکرده بودند، سلیمان ایشان را تا به امروز به پرداخت جزیه واداشت. دوم تواریخ ۸:۷-۸

آنگاه رحبعام پادشاه، هدورام را که سرپرست باج و خراج بود، فرستاد و بنیاسرائیل او را سنگسار کردند تا مرد. اما رحبعام پادشاه شتابان او را بر ارابهاش سوار کرد تا به اورشلیم فرار کند. دوم تواریخ ۱۸:۱۰

و ترس خداوند بر تمام ممالک سرزمینهای اطراف یهودا مستولی شد، به طوری که آنها با یهوشافاط جنگ نکردند. همچنین برخی از فلسطینیان برای یهوشافاط هدایا و نقره باج آوردند. و اعراب برای او گله، هفت هزار و هفتصد قوچ و هفت هزار و هفتصد بز نر آوردند. و یهوشافاط بسیار بزرگ شد. و او قلعهها و شهرهایی برای انبار در یهودا ساخت. دوم تواریخ 12-10 :17

و به محض اینکه فرمان منتشر شد، بنیاسرائیل نوبر غلات، شراب، روغن، عسل و تمام محصولات مزرعه را به وفور آوردند؛ و عشر همه چیز را به وفور آوردند. و بنیاسرائیل و یهودا که در شهرهای یهودا ساکن بودند، عشر گاو و گوسفند و عشر چیزهای مقدسی را که برای یهوه خدای خود وقف شده بود، نیز آوردند و آنها را توده توده کردند. و هدایا و عشرها و چیزهای وقف شده را با امانت آوردند، که کونونیای لاوی بر آنها حاکم بود و برادرش شمعی نفر بعدی بود. دوم تواریخ 6-5 :12،31

این رونوشت نامهای است که نزد او، حتی نزد اردشیر پادشاه، فرستادند. بندگانت، مردان این سوی رودخانه، و در چنین زمانی. پادشاه را معلوم باد که یهودیانی که از جانب تو نزد ما آمدند، به اورشلیم آمدهاند و شهر شورشی و بد را بنا میکنند و دیوارهایش را برپا کرده و پایههایش را به هم پیوستهاند. اکنون پادشاه را معلوم باد که اگر این شهر بنا شود و دیوارها دوباره برپا شوند، آیا آنها باج و خراج و مالیات نخواهند پرداخت، و بدین ترتیب به درآمد پادشاهان آسیب خواهی رساند. عزرا ۴:۱۱-۱۳

نامهای که برای ما فرستادید، به روشنی در حضور من خوانده شد. و من فرمان دادم و تحقیق کردند و دریافتند که این شهر از زمانهای قدیم علیه پادشاهان شورش کرده و شورش و فتنه در آن رخ داده است. پادشاهان قدرتمندی نیز بر اورشلیم بودهاند که بر تمام کشورهای ماوراء النهر حکومت میکردهاند و باج و خراج و مالیات به آنها داده میشده است. اکنون فرمان دهید که این مردان را از کار بازدارند و این شهر تا زمانی که فرمان دیگری از من صادر نشود، ساخته نشود. عزرا ۴:۱۸-۲۱

علاوه بر این، فرمانی صادر میکنم که با بزرگان این یهودیان برای ساختن این خانه خدا چه باید بکنید: از اموال پادشاه، یعنی از خراج ماورای رودخانه، مخارج را فوراً به این مردان بدهید تا مانعی برایشان ایجاد نشود. عزرا ۶:۸

همچنین به شما گواهی میدهیم که بر هیچ یک از کاهنان و لاویان، سرایندگان، دربانان، نتینیم یا خادمان این خانه خدا، تحمیل باج، خراج یا مالیات جایز نیست) .عزرا ۷:۲۴(

همچنین کسانی بودند که میگفتند» :ما برای پرداخت خراج پادشاه و آن هم برای زمینها و تاکستانهای خود، پول قرض گرفتهایم«. نحمیا ۵:۴

و اینکه ما نوبر خمیر خود و هدایای خود و میوه انواع درختان، شراب و روغن را برای کاهنان، به حجرههای خانه خدای خود بیاوریم؛ و ده یک زمین خود را برای لاویان، تا همان لاویان در تمام شهرهای کشتزار ما ده یک داشته باشند. و کاهن پسر هارون با لاویان خواهد بود، هنگامی که لاویان ده یک میگیرند. و لاویان ده یک دهم را به خانه خدای ما، به حجرهها، به خزانه بیاورند. نحمیا 38-37 :10

و در آن زمان، کسانی بر حجرههای خزانهها، هدایا، نوبرها و عشرها گماشته شدند تا از مزارع شهرها، سهم کاهنان و لاویان را که طبق شریعت تعیین شده بود، در آنها جمعآوری کنند. زیرا یهودا از کاهنان و لاویانی که منتظر بودند، شادمان بود. نحمیا ۴۴:۱۲

و او برای خود حجرهای بزرگ آماده کرده بود، جایی که پیش از آن هدایای آردی، کندر و ظروف و ده یکهای غله، شراب تازه و روغنی که دستور داده شده بود به لاویان و سرایندگان و دربانان داده شود، و هدایای کاهنان را میگذاشتند. سپس تمام یهودا ده یک غله و شراب تازه و روغن را به خزانهها آوردند. نحمیا ۵،۱۲:۱۳

و اخشورش پادشاه بر زمین و بر جزایر دریا جزیه گذاشت. استر ۱:۱۰

پیامبران

آنگاه در ملک او کسی خواهد برخاست که با شکوه و جلال پادشاهی، مالیاتها را وصول میکند. اما در اندک روزهایی، نه از خشم و نه از جنگ، نابود خواهد شد. دانیال ۲۰:۱۱

به بیتئیل بیایید و گناه کنید؛ در جلجال گناه را زیاد کنید؛ و هر روز صبح قربانیهای خود را بیاورید، و بعد از سه سال ده یکهای خود را. و قربانی شکرگزاری را با خمیرمایه بگذرانید و هدایای رایگان را اعلام و منتشر کنید. زیرا خداوند یهوه میگوید: این شما را پسندیده است، ای بنیاسرائیل. عاموس ۴:۴-۵

آیا کسی از خدا دزدی میکند؟ اما شما از من دزدی کردهاید. اما میگویید» :در کجا از شما دزدی کردهایم؟ در عشر و هدایا. شما به لعنت ملعون شدهاید، زیرا شما از من دزدی کردهاید، یعنی تمام این قوم. تمام عشر را به انبار بیاورید تا در خانه من گوشت باشد، و اکنون مرا به این طریق امتحان کنید، خداوند لشکرها میگوید، اگر پنجرههای آسمان را برای شما باز نکنم و چنان برکتی بر شما نریزم که جای کافی برای دریافت آن نباشد. و من خورنده را به خاطر شما توبیخ خواهم کرد و او میوههای زمین شما را خراب نخواهد کرد. و تاک شما میوه خود را قبل از وقت در مزرعه نخواهد ریخت، خداوند لشکرها میگوید. و همه ملتها شما را خوشحال خواهند خواند، زیرا شما سرزمینی دلپذیر خواهید بود، خداوند لشکرها میگوید«. ملاکی ۳:۸-۱۲

انجیلها

و چون به کفرناحوم رسیدند، خراجگیران نزد پطرس آمده، گفتند» :آیا استاد تو خراج نمیدهد؟« گفت» :بله«. و چون به خانه درآمد، عیسی او را منع کرده، گفت » :ای شمعون، نظر تو چیست؟ پادشاهان زمین از چه کسانی باج و خراج میگیرند؟ از فرزندان خود یا از بیگانگان؟ «پطرس به او گفت» :از بیگانگان«. عیسی به او گفت » :پس فرزندان آزادند. اما مبادا ایشان را برنجانیم، به دریا برو و قلابی بینداز و اولین ماهیای را که بیرون میآید بگیر. و چون دهانش را باز کردی، پولی خواهی یافت. آن را بردار و برای من و خود به ایشان بده «.متی ۱۷:۲۴-۲۷

پس فریسیان رفتند و مشورت کردند که چگونه او را با سخنانش به دام بیندازند. پس شاگردان خود را به همراه هیرودیان نزد او فرستادند و گفتند» :ای استاد، ما میدانیم که تو راستگویی و راه خدا را به راستی تعلیم میدهی و از کسی باکی نداری، زیرا به ظاهر مردم نظر نمیکنی«. پس به ما بگو نظر تو چیست؟ آیا دادن خراج به قیصر رواست یا نه؟ اما عیسی به شرارت آنها پی برد و گفت » :ای ریاکاران، چرا مرا وسوسه میکنید؟ پول خراج را به من نشان دهید «.و آنها یک دینار نزد او آوردند. او به آنها گفت » :این تصویر و کتیبه از آن کیست؟ «آنها به او گفتند» :از آن قیصر«. سپس به آنها گفت » :پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا« . متی 21-15 :22

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا از نعناع و بادیان و زیره ده یک میدهید و مهمترین احکام شریعت، یعنی عدالت، رحمت و ایمان را نادیده گرفتهاید. اینها را میباید به جا میآوردید و از اینها غافل نمیماندید .متی ۲۳:۲۳

و چون آمدند، به او گفتند» :ای استاد، ما میدانیم که تو راستگو هستی و از کسی پروا نداری، زیرا به ظاهر مردم نظر نمیکنی، بلکه راه خدا را به راستی میآموزی. آیا دادن خراج به قیصر رواست یا نه؟ آیا بدهیم یا ندهیم؟« اما او، با درک ریاکاری ایشان، به ایشان گفت » :چرا مرا وسوسه میکنید؟ یک دینار بیاورید تا آن را ببینم «.و آنها آن را آوردند. و او به ایشان گفت » :این تصویر و کتیبه از آن کیست؟ «و آنها به او گفتند» :از آن قیصر«. و عیسی در جواب به ایشان گفت » :آنچه از قیصر است به قیصر و آنچه از خداست به خدا بدهید «.و آنها از او تعجب کردند. مرقس ۱۲:۱۴-۱۷

و عیسی در مقابل خزانه نشسته بود و میدید که چگونه مردم پول به خزانه میاندازند و بسیاری از ثروتمندان پول زیادی میانداختند. و بیوه زن فقیری آمد و دو سکّه که معادل یک فَلس است، در خزانه انداخت. پس شاگردان خود را فراخواند و به آنها گفت » :هر آینه به شما میگویم که این بیوه زن فقیر از همه کسانی که در خزانه انداختند، بیشتر داده است. زیرا هر چه ایشان از فراوانی خود دادند، اما این زن از نیاز خود، هر چه داشت، یعنی تمام معاش خود را، انداخت «.مرقس ۱۲:۴۱-۴۴

و در آن روزها، فرمانی از قیصر آگوستوس صادر شد که تمام جهان باید مشمول مالیات شوند) .و این مالیاتگیری ابتدا زمانی انجام شد که سیرنیوس فرماندار سوریه بود(. و همه برای مالیاتگیری به شهر خود میرفتند. و یوسف نیز از جلیل، از شهر ناصره، به یهودیه، به شهر داوود که بیتلحم نام داشت، رفت)زیرا او از خاندان و تبار داوود بود:(تا با مریم، همسر نامزدش، که باردار بود، مشمول مالیات شود. لوقا ۲: ۱-۵

اما وای بر شما ای فریسیان، زیرا شما از نعناع و سداب و انواع سبزیها ده یک میدهید و از عدالت و محبت خدا غافلید. اینها را باید انجام میدادید و اینها را نیز رها نمیکردید .لوقا ۱۱:۴۲

دو مرد برای دعا به معبد رفتند؛ یکی فریسی و دیگری باجگیر. فریسی ایستاد و با خود چنین دعا کرد: خدایا، تو را شکر میکنم که من مانند دیگران، اخاذ، ظالم، زناکار یا حتی مانند این باجگیر نیستم. من دو بار در هفته روزه میگیرم و از هر چه دارم ده یک میدهم. و باجگیر دور ایستاد و حاضر نشد چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند، بلکه به سینه خود میکوبید و میگفت: خدایا بر من گناهکار رحم کن .لوقا ۱۸:۱۰-۱۳

و از او پرسیدند و گفتند» :ای استاد، ما میدانیم که تو راست میگویی و تعلیم میدهی، و از کسی طرفداری نمیکنی، بلکه راه خدا را به راستی تعلیم میدهی. آیا دادن خراج به قیصر برای ما رواست یا نه؟« اما او به نیرنگ آنها پی برد و به آنها گفت » :چرا مرا وسوسه میکنید؟ یک دینار به من نشان دهید. تصویر و نام چه کسی روی آن است؟ «آنها پاسخ دادند» :از قیصر«. و او به آنها گفت » :پس مال قیصر را به قیصر و مال خدا را به خدا بدهید «.لوقا 25-21 :20

و او به بالا نگاه کرد و ثروتمندانی را دید که هدایای خود را به خزانه میانداختند. و بیوهزنی فقیر را نیز دید که دو سکه در آنجا میانداخت. و گفت » :به راستی به شما میگویم که این بیوه زن فقیر بیش از همه آنها داده است. زیرا همه اینها از فراوانی خود به هدایای خدا دادهاند، اما او از تنگدستی خود، تمام روزی خود را داده است« . لوقا ۲۱:۱-۴

و تمام جمعیت آنها برخاستند و او را نزد پیلاطس بردند. و شروع به شکایت از او کردند و گفتند» :ما این شخص را یافتیم که قوم را گمراه میکند و از دادن خراج به قیصر منع میکند و میگوید که خود مسیح و پادشاه است«. پیلاطس از او پرسید» :آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟« او در جواب گفت » :تو چنین میگویی «.آنگاه پیلاطس به کاهنان اعظم و مردم گفت» :من در این مرد هیچ تقصیری نمیبینم«. لوقا ۲۳: ۱-۴

پس از این مرد، یهودای جلیلی در ایام مالیاتگیری قیام کرد و گروه بسیاری را به دنبال خود کشید. او نیز هلاک شد و همه کسانی که از او اطاعت میکردند، پراکنده شدند. اعمال رسولان ۳۷:۵

رسالههها

زیرا به همین دلیل است که شما نیز باید خراج بپردازید، زیرا ایشان خادمان خدا هستند و پیوسته در همین امر مشغولند. پس حق همه ایشان را ادا کنید: خراج را به آنکه خراج است، رسم را به آنکه رسم است، ترس را به آنکه ترس است، و احترام را به آنکه احترام است. رومیان ۱۳:۶-۷

و به راستی کسانی که از فرزندان لاوی هستند و مقام کاهنی را دریافت میکنند، حکم دارند که از قوم، یعنی از برادران خود، طبق شریعت، ده یک بگیرند، هرچند از صلب ابراهیم بیرون آمده باشند. اما کسی که از نسل ایشان نیست، از ابراهیم ده یک دریافت کرده و کسی را که وعدهها را داشت، برکت داده است. و بدون هیچ تناقضی، کمتر از بهتر برکت یافته است. و در اینجا کسانی که میمیرند ده یک دریافت میکنند؛ اما در آنجا او آنها را دریافت میکند، کسانی که درباره آنها شهادت داده شده است که زنده هستند. و میتوانم بگویم، لاوی نیز که ده یک دریافت میکند، در ابراهیم ده یک پرداخت کرد. عبرانیان ۷: ۵-۹

آخرالزمان

و مردم، یُواحاز پسر یوشیا را گرفتند و او را به جای پدرش یوشیا، در حالی که بیست و سه ساله بود، به پادشاهی برگزیدند. و او سه ماه در یهودیه و اورشلیم سلطنت کرد. سپس پادشاه مصر او را از سلطنت در اورشلیم برکنار کرد. و صد وزنه نقره و یک وزنه طلا بر سرزمین مالیات وضع کرد. اول اسدرا ۱:۳۴-۳۶

به پادشاه آرتِکِسِس، سرور ما، بندگانت، راتوموسِ قصهگو، و سملیوسِ کاتب، و سایر اعضای شورای ایشان، و داورانی که در سلوسیریا و فینیقیه هستند. اکنون برای سرور پادشاه معلوم باد که یهودیانی که از جانب شما به ما رسیدهاند، به اورشلیم، آن شهر شورشی و شرور، آمدهاند، بازارها را میسازند و دیوارهای آن را تعمیر میکنند و پایههای معبد را میگذارند. حال اگر این شهر و دیوارهایش دوباره ساخته شود، نه تنها از دادن خراج امتناع خواهند ورزید، بلکه علیه پادشاهان نیز شورش خواهند کرد. اول اِسدراس ۲:۱۷-۱۹

به همین ترتیب، کسانی که سرباز نیستند و در جنگها کاری ندارند، بلکه به کشاورزی مشغولند، وقتی دوباره آنچه را که کاشته بودند درو کردند، آن را نزد پادشاه میآورند و یکدیگر را مجبور میکنند که به پادشاه خراج بپردازند) .اول اسدرا ۴:۶(

علاوه بر این، او برای همه یهودیانی که از قلمرو او به سرزمین یهود رفتند، در مورد آزادی آنها نوشت که هیچ افسر، حاکم، سرکرده یا خزانهداری نباید به زور وارد دروازههای آنها شود؛ و اینکه تمام سرزمینی که در اختیار دارند بدون پرداخت خراج آزاد باشد؛ و اینکه ادومیها روستاهای یهودیانی را که در آن زمان در اختیار داشتند، واگذار کنند: بله، سالانه بیست تالنت برای ساخت معبد داده شود تا زمانی که ساخته شود؛ و ده تالنت دیگر سالانه، برای نگهداری قربانیهای سوختنی بر روی قربانگاه هر روز، همانطور که دستور داشتند هفده تالنت تقدیم کنند؛ و اینکه همه کسانی که از بابل برای ساختن شهر رفتند، و همچنین فرزندان آنها و همه کاهنانی که رفتند، آزادی آزاد داشته باشند. اول اسدرا 53-49 :4

و مردان آنجا به شورش و جنگ روی آوردند و پادشاهان قدرتمند و درندهای در اورشلیم بودند که در سلوسیریا و فینیقیه سلطنت میکردند و خراج میگرفتند. اول اسدرا ۲:۲۷

من همچنین دستور دادهام که آن را دوباره بسازند؛ و اینکه آنها با جدیت به کسانی که در اسارت یهودیان هستند کمک کنند تا خانه خداوند تکمیل شود: و از خراج سلوسیریا و فنیقیه، بخشی به دقت به این مردان برای قربانیهای خداوند، یعنی به زوروبابل فرماندار، برای گاوها و قوچها و برهها داده شود؛ و همچنین ذرت، نمک، شراب و روغن، و این که به طور مداوم هر سال بدون هیچ گونه سوال دیگری، طبق دستور کاهنانی که در اورشلیم هستند، روزانه خرج شود: تا برای پادشاه و فرزندانش به خدای متعال قربانی شود و برای جان آنها دعا شود. اول اسدرا 31-28 :6

همچنین به شما فرمان میدهم که هیچ مالیات یا هیچ گونه تعهد دیگری از هیچ یک از کاهنان، لاویان، خوانندگان مقدس، دربانان، خادمان معبد یا هر کسی که در این معبد کاری دارد، مطالبه نکنید و هیچ کس حق ندارد چیزی را بر آنها تحمیل کند) .اول اسدرا ۲۲:۸)

در تمام هدایای خود چهرهای شاد نشان بده و ده یکهای خود را با شادی تقدیم کن) .کتاب جامعه ۹:۳۵(

و او لشکری نیرومند و قدرتمند گرد آورد و بر کشورها و ملتها و پادشاهانی که خراجگزار او شدند، حکومت کرد. اول مکابیان ۴:۱

و پس از گذشت دو سال، پادشاه، مأمور جمعآوری خراج خود را به شهرهای یهودا فرستاد، و او با جمعیتی عظیم به اورشلیم آمد و با آنها سخنان صلحآمیز گفت، اما همه چیز فریب بود. زیرا وقتی او را باور کردند، ناگهان به شهر حمله کرد و آن را به شدت ویران کرد و بسیاری از قوم اسرائیل را نابود کرد. اول مکابیان ۲۹:۱-۳۰

با این وجود، وقتی دید که به دلیل تفرقه و طاعونی که با لغو قوانین قدیمی بر کشور آورده بود، پول خزانههایش تمام شد و خراجهای کشور کم شد، ترسید که دیگر نتواند بار این اتهامات را تحمل کند و دیگر نتواند مانند گذشته سخاوتمندانه عطایا بدهد، زیرا او از پادشاهان پیش از خود بسیار ثروتمندتر بود. از این رو، چون در ذهنش بسیار پریشان شده بود، تصمیم گرفت به ایران برود و در آنجا خراج کشورها را بگیرد و پول زیادی جمع کند. اول مکابیان ۲۹:۳-۳۱

آنها همچنین لباسهای کاهنان و نوبرها و عشرها را آوردند و نذیرههایی را که دوران خود را به پایان رسانده بودند، برانگیختند. اول مکابیان ۴۹:۳

و اینکه آنها مردانی بسیار شجاع بودند. همچنین از جنگها و اعمال شرافتمندانهای که در میان غلاطیان انجام داده بودند و اینکه چگونه آنها را فتح کرده و به آنها خراج داده بودند، برایش گفته شد. و اینکه با سیاست و صبر خود، همه جا را فتح کرده بودند، هرچند از آنها بسیار دور بود. و همچنین پادشاهانی را که از اقصی نقاط زمین به آنها حمله کرده بودند، تا اینکه آنها را آشفته کرده و به آنها شکست بزرگی دادند، به طوری که بقیه هر ساله به آنها خراج میدادند. و اینکه چگونه او را زنده گرفتند و عهد بستند که او و کسانی که پس از او سلطنت کنند، خراج زیادی بپردازند و گروگان بدهند و آنچه توافق شده بود، اول مکابیان ۲،۴،۷:۸

و اکنون شما را آزاد میکنم، و به خاطر شما، همه یهودیان را از خراج و از عوارض نمک و از مالیاتهای سلطنتی آزاد میکنم. و از آنچه که به من تعلق میگیرد تا برای یک سوم یا دانه و نیمی از میوه درختان دریافت کنم، آن را از امروز به بعد آزاد میکنم، تا از امروز تا ابد از سرزمین یهودا و از سه حکومتی که از کشور سامره و جلیل به آن اضافه میشوند، گرفته نشوند. بگذارید اورشلیم نیز مقدس و آزاد باشد، و مرزهای آن، هم از ده یکها و هم از خراجها. اول مکابیان 31-29 :10

علاوه بر این، من هر یک از یهودیانی را که از سرزمین یهودیه به هر بخش از پادشاهی من به اسارت برده شده بودند، آزادانه آزاد کردم و از همه مأموران خود میخواهم که حتی از گاوهایشان نیز خراج بگیرند) .اول مکابیان ۳۳:۱۰(

آنگاه یوناتان از پادشاه درخواست کرد که یهودیه و همچنین سه حکومت دیگر و همچنین سرزمین سامره را از خراج معاف کند و پادشاه به او سیصد تالنت وعده داد) .اول مکابیان (11:28

و اما سایر چیزهایی که به ما تعلق دارد، از عشر و عوارض متعلق به ما، و همچنین گودالهای نمک و مالیات سلطنتی که به ما تعلق دارد، ما همه آنها را برای رفع نیازشان پرداخت میکنیم. اول مکابیان ۳۵:۱۱

و اما هر سهو یا تقصیری که تا امروز مرتکب شدهاید، آن را میبخشیم، و همچنین مالیات تاج را که به ما بدهکارید. و اگر جزیه دیگری در اورشلیم پرداخت میشد، دیگر پرداخت نخواهد شد. اول مکابیان ۱۳:۳۹

پس اکنون شهرهایی را که گرفتهاید و خراج جاهایی را که خارج از مرزهای یهودیه بر آنها تسلط یافتهاید، به من بازگردانید. وگرنه پانصد وزنه نقره برای آنها و پانصد وزنه دیگر برای ضرری که رساندهاید و خراج شهرها به من بدهید. وگرنه خواهیم آمد و با شما خواهیم جنگید. اول مکابیان ۱۵:۳۰-۳۱

بنابراین نیکانور متعهد شد که از یهودیان اسیر آنقدر پول به دست آورد که بتواند خراج دو هزار تالانی را که پادشاه قرار بود به رومیان بپردازد، بپردازد. دوم مکابیان ۸:۱۰

بدین ترتیب، او که وظیفه داشت با اسیران در اورشلیم، خراج رومیان را بپردازد، در همه جا اعلام کرد که یهودیان خدایی دارند که برای آنها میجنگد و بنابراین نمیتوانند آسیبی ببینند، زیرا از قوانینی که او به آنها داده است، پیروی میکنند. دوم مکابیان ۸:۳۶

جاشر

و کِدُرلاعُمِر، پادشاه عیلام، از میان قبایل بنیحام بیرون رفت و با آنها جنگید و آنها را مغلوب کرد، و به پنج شهر دشت رفت و با آنها جنگید و آنها را مغلوب کرد و آنها تحت سلطه او بودند. و آنها دوازده سال او را خدمت کردند و مالیات سالانه به او میدادند. یاشر ۱۱:۱۰-۱۱

در پنجمین سال سکونت ابرام در سرزمین کنعان، مردم سدوم و عموره و تمام شهرهای دشت از قدرت کدرلاعمر، پادشاه عیلام، سرکشی کردند؛ زیرا تمام پادشاهان شهرهای دشت، دوازده سال کدرلاعمر را خدمت کرده و مالیات سالانه به او میدادند، اما در آن روزها، در سال سیزدهم، علیه او شوریدند. یاشر ۱۳:۱۱

ما میدانیم که رسم پادشاهان این است که از زندگان مالیات سالانه بگیرند، اما تو نه تنها این کار را میکنی، بلکه از مردگان نیز روز به روز مالیات میگیری. و پادشاه در پاسخ به ریقایون گفت» :نام تو دیگر ریقایون خوانده نخواهد شد، بلکه نام تو فرعون خواهد بود، زیرا تو از مردگان مالیات گرفتی«. و او نام او را فرعون گذاشت. و ریقایون فرعون با حیلهگری حکومت مصر را غصب کرد و از همه ساکنان مصر مالیات گرفت. یاشر ۱۴:۳۱،۲۷،۱۹

و ابرام و هر چه داشت از نهر مصر برخاسته، به مصر آمدند. و به محض ورود به دروازههای شهر، نگهبانان نزد ایشان آمدند و گفتند» :از آنچه دارید، ده یک به پادشاه بدهید تا وارد شهر شوید«. و ابرام و همراهانش چنین کردند. و ابرام با کسانی که با او بودند به مصر آمدند و چون آمدند، صندوقی را که سارای در آن پنهان بود، آوردند و مصریان صندوق را دیدند. و خادمان پادشاه نزد ابرام آمده، گفتند» :در این صندوق چه داری که ما ندیدهایم؟ اکنون صندوق را باز کن و از هر چه در آن است، ده یک به پادشاه بده«. یاشر ۱۵:۸-۱۰

و پسران یعقوب برای آنها سوگند یاد کردند که با آنها درگیر نشوند، و همه پادشاهان کنعانیان نیز برای آنها سوگند یاد کردند، و پسران یعقوب از آن روز به بعد آنها را خراجگزار خود قرار دادند. یاشر ۴۰:۴۸

و تمام مصر تحت مراقبت یوسف بود، و یوسف با تمام دشمنان اطراف خود جنگید و آنها را مطیع خود ساخت؛ همچنین تمام سرزمین و تمام فلسطینیان را تا مرزهای کنعان، یوسف مطیع خود ساخت، و همه آنها تحت قدرت او بودند و مالیات سالانه به یوسف میدادند. و تمام کشورهای فلسطینیان و کنعان و صیدون و آن طرف اردن، در تمام دوران زندگی یوسف برای او هدایا میآوردند، و تمام کشور در دست یوسف بود، و آنها طبق قانون، سالانه خراج برای او میآوردند، زیرا یوسف با تمام دشمنان اطراف خود جنگیده و آنها را مطیع خود کرده بود، و تمام کشور در دست یوسف بود، و یوسف با اطمینان بر تخت خود در مصر نشسته بود. یاشر ۵۸:۱۲،۸

و در هشتاد و چهارمین سال، یعنی پنجاهمین سال سلطنت هدد، پسر بداد، پادشاه ادوم، هدد تمام بنیعیسو را گرد آورد و تمام لشکر خود را که حدود چهارصد هزار نفر بود، آماده کرد و راه خود را به سوی سرزمین موآب گشود و برای جنگ با موآب و خراجگزار کردن آنها به سوی خود رفت. و هنگامی که همه بنیمدیان در جنگ هلاک شدند و بنیموآب گریختند، هدد در آن زمان تمام موآب را خراجگزار خود کرد و آنها زیر دست او قرار گرفتند و طبق دستور، مالیات سالانه میدادند. هدد برگشت و به سرزمین خود بازگشت. یاشر ۶۲:۱۳،۶

پس کیکیانوس به سوی ارام و بنیشرق بیرون رفت و با آنها جنگید و آنها را شکست داد و همه آنها در برابر کیکیانوس و قومش زخمی شدند. و بسیاری از آنها را اسیر کرد و مانند گذشته مطیع خود ساخت و در سرزمین آنها اردو زد تا طبق معمول از آنها خراج بگیرد. و کیکیانوس با ارام و بنیشرق جنگید و آنها را مانند گذشته مطیع خود کرد و آنها خراج معمول خود را به او دادند و او رفت و به سرزمین خود بازگشت. یاشر 72: 4-5,11

و جمیع بنیشرق برگشتند و عقبنشینی کردند، پس موسی و بنیکوش از عقب ایشان رفتند و ایشان را مطیع ساختند و طبق رسم ایشان جزیه بر ایشان نهادند. و آرام نیز مطیع موسی و بنیکوش شدند و جزیه معمول خود را نیز پرداختند. یاشر ۴۳،۴۶:۷۳

و ابیانوس مأمورانی در ادوم گماشت و همه فرزندان ادوم مطیع و خراجگزار ابیانوس شدند و ابیانوس به سرزمین خود، چیتیم، بازگشت. و در دوران سلطنت خود، لشکری آورد و رفت و با ساکنان بریتانیا و کرنانیا، فرزندان الیشع پسر یاوان، جنگید و بر آنها پیروز شد و آنها را خراجگزار خود ساخت. یاشر ۱۰،۲۹:۹۰

جوبیلیها

و یعقوب صبح زود، در چهاردهم این ماه، برخاست و از همه کسانی که با او آمده بودند، از انسان و گاو، از طلا و هر ظرف و لباس، یک دهم داد، بلکه از همه چیز یک دهم داد. یوبیل ۲:۳۲

و او از همه حیوانات پاک ده یک گرفت و قربانی سوختنی تقدیم کرد، اما حیوانات ناپاک را به پسرش لاوی نداد و جان همه مردان را به او داد. و لاوی در بیت ئیل، مقام کاهنی را در حضور پدرش یعقوب، به جای ده برادرش، واگذار کرد و او در آنجا کاهن بود و یعقوب نذر خود را ادا کرد. بدین ترتیب، او دوباره ده یک را به خداوند داد و آن را تقدیس کرد و برای او مقدس شد. و به همین دلیل، بر روی لوحهای آسمانی به عنوان قانونی برای ده یک دوباره مقرر شده است تا سال به سال در حضور خداوند، در مکانی که برای سکونت نام او انتخاب شده است، خورده شود و برای این قانون هیچ محدودیتی برای روزها برای همیشه وجود ندارد. این قانون نوشته شده است که میتواند سال به سال با خوردن ده یک دوم در حضور خداوند در مکانی که انتخاب شده است، انجام شود و از این سال تا سال بعد چیزی از آن باقی نماند. یوبیلها 11-8 :32

و تمام ده یک گاوها و گوسفندان برای خداوند مقدس خواهد بود و به کاهنان او تعلق خواهد داشت که سال به سال در حضور او خواهند خورد، زیرا در مورد ده یک بر لوحهای آسمانی چنین مقرر و حک شده است) .یوبیل ۱۵:۳۲(

و او بر آنها پیروز شد و بر آنها جزیه گذاشت که پنج نوع میوه از زمین خود را به او جزیه بدهند، و او رَوْبِل و تَمْنَطَرَس را ساخت. یوبیل ۸:۳۴

و یعقوب به پسرانش پیام فرستاد که صلح کنند، و آنها با ایشان صلح کردند و یوغ بندگی را بر دوش ایشان نهادند، به طوری که آنها همیشه به یعقوب و پسرانش خراج میدادند. و آنها تا روزی که یعقوب به مصر رفت، به او خراج میدادند. یوبیل ۱۲:۳۸-۱۳

کتابهای گمشدهی کتاب مقدس

و چنین شد که فرمانی از امپراتور آگوستوس صادر شد که همه یهودیان بیت لحم یهودیه مشمول مالیات شوند. و یوسف گفت : »من مراقب مالیات فرزندانم خواهم بود. اما با این زن جوان چه کنم؟ از اینکه او را به عنوان همسر خود مشمول مالیات کنم، شرم دارم. و اگر او را به عنوان دختر خود مشمول مالیات کنم، همه اسرائیل میدانند که او دختر من نیست. وقتی زمان تعیین شده توسط خداوند فرا برسد، بگذارید هر چه صلاح میداند انجام دهد«. و الاغ را زین کرد و او را بر آن سوار کرد و یوسف و شمعون از پی او رفتند و در فاصله سه مایلی به بیت لحم رسیدند. پروتوانگلیون ۱۲:۱-۵

در سیصد و نهمین سال سلطنت اسکندر، آگوستوس فرمانی صادر کرد مبنی بر اینکه همه افراد باید برای مالیات دادن به کشور خود بروند. بنابراین یوسف برخاست و به همراه همسرش مریم به اورشلیم رفت و سپس به بیت لحم آمد تا او و خانوادهاش در شهر پدرانش مالیات بدهند. انجیل اول درباره کودکی عیسی مسیح ۱: ۴-۵

کتابهای فراموششدهی عدن

در زمانی که پدران ما به واسطه رعایت شریعت از آرامش زیادی برخوردار بودند و در شرایط خوبی به سر میبردند، به طوری که سلوکوس نیکانور، پادشاه آسیا، مالیات خدمات معبد را تصویب کرد و حکومت ما را به رسمیت شناخت، دقیقاً در همان زمان، برخی افراد، با تفرقه افکنی علیه توافق عمومی، ما را در مصیبتهای متعدد و متنوعی گرفتار کردند4) . مکابیان (2:10

من آرزو داشتم قلعهای بین آسمان و زمین بسازم، و از تو میخواهم مردی خردمند و زیرک از میان خود برایم بفرستی تا آن را برایم بسازد و به تمام سوالاتم پاسخ دهد، و اینکه بتوانم مالیات و عوارض گمرکی سه سال آشور را داشته باشم. داستان اخیکار ۲:۴

آنها ما را تحریک کرده و بر ما غلبه کردهاند و بسیاری از مردم کشور ما از ترس مالیاتهایی که پادشاه مصر برای مطالبه از ما فرستاده است، به مصر گریختهاند. سپس به پادشاه گفت» :ای سرورم، خشمگین مشو! من به مصر خواهم رفت و پاسخها را به فرعون باز خواهم گرداند و این نامه را به او نشان خواهم داد و در مورد مالیاتها به او پاسخ خواهم داد و همه کسانی را که فرار کردهاند، باز خواهم گرداند. و دشمنان تو را به یاری خدای متعال و برای سعادت پادشاهی تو، شرمنده خواهم کرد«. داستان اخیکار ۵:۷،۵

اما، ای سرورم پادشاه! آنچه در آن درباره مالیات مصر به مدت سه سال گفتی، اکنون پایداری یک پادشاهی به عدالت دقیق بستگی دارد، و اگر تو پیروز شوی و دست من در پاسخ دادن به تو مهارت نداشته باشد، آنگاه سرورم پادشاه مالیاتی را که ذکر کردی برای تو خواهد فرستاد. داستان اخیکار ۲۴:۵

و چون فرعون دید که اَحیقار بر او غلبه کرده و پاسخهایش را داده است، بیدرنگ هیجانزده شد و دستور داد مالیات سه سال را برای او جمعآوری کرده و نزد اَحیقار بیاورند. سپس پادشاه از او پرسید که از بدو ورودش تا زمان رفتنش، چگونه با فرعون رفتار کرده و چگونه به تمام سوالاتش پاسخ داده و چگونه مالیات و لباسها و هدایا را از او دریافت کرده است. و سِنحاریب پادشاه بسیار شادمان شد و به اَحیقار گفت» :هر چه میخواهی از این خراج بگیر، زیرا همه چیز در دست توست«. داستان اَحیقار ۶:۴۶،۳۶_۴۷

و ما به آنها هیچ آسیبی نرساندیم، و آنها خراجگزار ما شدند، و ما غنیمت آنها را به آنها بازگردانیم. عهد یهودا ۴۹:۱

سپس از ما شرایط صلح خواستند؛ و پس از مشورت با پدرمان، آنها را به عنوان خراجگزار پذیرفتیم. و آنها تا زمان قحطی، پانصد کُر گندم، پانصد بْت روغن و پانصد کَیْل شراب به ما دادند، تا اینکه به مصر فرود آمدیم. عهد یهودا ۲: ۸ـ۹